

مگز

مگز

آیت‌الله محمدباقر تحریری در گفت‌وگو با قدس به بیان فضیلت ماه شعبان پرداخت

«ماه پیامبر خدا»، مقدمه ورود به «شهر الله»



۱۱

۱۵ سیما و سینما

گفت‌وگو با حامد عنقا، نویسنده سریال «بر سردو راهی»

سریال‌های قصه محور پرمخاطب‌می‌شوند

۱۶

ایستگاه

«مارگارت تاجر» ۱۹ فروردین سال ۱۳۹۲ درگذشت

آتش، زیر خاکستر بانوی آهنین

بهانه نوشتن از «مارگارت تاجر» هم می‌تواند سالروز مرگش باشد و هم فیلم سینمایی «بانوی آهنین» که سیمای ملی در آخرین روزهای سالی که گذشت آن را برای مخاطبانش نمایش داد. اگر شما هم از جمله کسانی هستید که این فیلم را اثری ستایشگرانه درباره نخست‌وزیر سابق انگلیس می‌دانید، بهتر است همین اول مطلب در جریان قرار بگیرید که گزارشی از آخرین روزهای زندگی «حرف نزن» پشت سر مرده، محافظه کارانه، چشمش را روی برخی واقعیت‌های زندگی و سیاست‌ها و اقدام‌های رهبر حزب «محافظه کار» انگلیس در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی ببندد.

بسیاری از انگلیسی‌ها اگر چه او را از جمله تأثیرگذارترین سیاستمداران قرن بیستم می‌دانند، اما با انتقاد از منش سیاسی «تاجر» معتقدند، سیاستمداران امروز و دیروز انگلیس، هنوز که هنوز است...



۱۲

ادب و هنر

در گفت‌وگو با نویسنده کتاب «خاطرات خدا» مطرح شد

پایه تربیت دینی باور به توحید است

روایت

ماجرای نبش قبر آیت‌الله صدر

رضا کلابینی با شرح ماجرای نبش قبر آیت‌الله صدر در اینستاگرامش نوشت: آنگاه که در یکی از نیمه شب‌های فروردین ماه ۱۳۵۹ شمسی، مأموران امنیتی حکومت صدام به همراه گورکنی به نام «عباس بلاش» در حال تدفین پیکر شهید آیت‌الله سید محمد باقر صدر در پشت ساختمان اطلاعات قبرستان وادی السلام نجف بودند، هرگز گمان نمی‌پرند که این کالبد شکنجه دیده و سوخته، سه بار دیگر جا به جا شود و ماجرای تاریخی و تراژیک بیافریند! اشارت رفت که عباس بلاش تنها کسی بود که جای قبر را -که بی‌نام و بنا بود- می‌دانست و سال‌ها زیر فشار استخبارات حزب بعث که لو دادن قبر همان و مرگ قطعی همان!

پس از تافتان شعبانیه ۱۹۹۱ و سرکوب آن، رژیم صدام برای آزار روحی شیعیان، در قبرستان وادی السلام چندین خیابان ساخت که قبر شهید صدر نیز در میان یکی از آنها قرار گرفت. در این میان «سیدکامل عمیدی» نامی -که خود از مریدان سید بود- تصمیم گرفت که پیکر او را به جای امنی منتقل و مدفون او را حفظ کند. او در این باره اجازه علما و همسر و فرزندان شهید را اخذ کرد. سپس با تکی چند از دوستانش پیکر سید را از قبر به در آوردند و در مکان معهود به نام پدر سید کامل یعنی «سید محمدعلی عمیدی» دفن کردند. سید کامل پس از سپری شدن پنج سال، دریافت که عباس بلاش در نگاه داشتن راز قبر جدید، جانب احتیاط را نگه نداشته و آن را برای افرادی بازگفته و مصونیت قبر را به مخاطره افکنده است. بنابراین بار دیگر و این بار بدون اطلاع بلاش و البته با کسب اجازات لازم، پیکر شهید صدر را به مکانی دورتر از قبر دوم منتقل کردند و البته این بار انگشتش وی را نیز از دستش به در آوردند و نزد همسرش بردند. «م جعفر» نیز در سلسله از زحمات سیدکامل، این انگشت را به وی بخشید. پس از سقوط صدام و ابراز تمایل برخی علاقه‌مندان به ایجاد بنایی باشکوه بر مزار شهید آیت‌الله صدر، پیکر وی برای سومین بار از قبر به درآمد و در مکانی در نزدیکی دروازه نجف دفن شد که عملیات ساخت بنای مرقد و نیز ساختمان‌های جنبی آن، انجام پذیرد. خانواده شهید از سر اعتماد به سید کامل العمیدی و قدردانی از زحمات وی در حفظ پیکر آیت‌الله صدر در دوران حکومت صدام، مسئولیت ساخت مرقد آن بزرگ و همه لزومات آن را به وی سپردند.

خواندن‌ها

خدمت تروریست‌های تکفیری به اسرائیل

کانال تلگرامی لیبیانر نوشت: ارتش اشغالگر قدس اعلام کرد جسد یکی از سربازان خود که در حمله و اشغال لبنان در ۱۹۸۲ نابینا شده بود، بدست آورده است. در آن سال پیش از حمله و اشغال لبنان، نظامیان صهیونیست با حمله‌ای دقیق و ویرانگر به پناهند سوری در منطقه بقاع لبنان، آن را نابود کردند. اما در پیشروی زمینی ۸۰ تانک و ۳۰ نظامی خود را از دست دادند. یکی از این سربازان زخاربا (زکریا) یابول بود که جسدش تاکنون مفقود بود. سایت اسرائیلی دیکا ادعا کرده که روسیه هنگام ملاقات پوتین و نتانیاهو لیبس‌های این سرباز را به اسرائیل تحویل داده و نتیجه گرفته که آینده سیاسی سوری در جنگ روسیه و مورد اطمینان اسرائیل است. این سایت نوشته است، افسران اطلاعاتی روسیه از سال ۲۰۱۶ دنبال جسد زخاربا و دو سرباز دیگر همراه او بوده‌اند. این پیگاه همچنین مدعی است سوری در ۱۹۸۲ یک تانک اسرائیلی را به روسیه نتوانست تا سیستم‌های پیشرفته و اسرار آن را بررسی کند. شبکه ۱۳ اسرائیل هم به نقل از منبعی عربی اعلام کرد این تانک در ۱۹۸۲ به دمشق منتقل شد که از سر نوشت سه خمنه آن اطلاعاتی در دست نیست. پس از توافق اسلو در ۱۹۹۳، یاسر عرفات اعلام کرده بود اطلاعاتی از محل اجساد این سه سرباز ندارد. انور رجا یکی از فرماندهان جبهه مردمی آزادی فلسطین به المیادین گفت: تروریست‌های اردوگاه پرموک این جسد را پیدا کرده و از طریق ترکیه به اسرائیل تحویل داده‌اند.



دوشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۹۸
۱۲ شعبان ۱۳۹۶
شماره ۱۳۳ و ۱۳۴
۸ آفریل ۲۰۱۹
ZENDAGI@QUDSONLINE.IR

یادی از مغز متفکر اسلامی، شهید مجاهد آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر و خواهر بزرگوارش در سی و نهمین سالروز شهادتشان

قدر صدر

۱۱

فرهنگسرای تهران در ازای تحویل ماهی قرمز، کتاب کودک هدیه می‌دهند

به خاطر یک تنگ ماهی!



عکس: آ. زمین مصفا

معنی بودند سبزه باید از سفره هفت سین حذف شود، چون موجب تخریب محیط زیست می‌شود علاوه بر این کمپین‌هایی هم برای حذف سمنو از سفره هفت سین راه افتاده بود که معتقد بودن سمنو به علت سرطان‌زا بودن باید از سفره هفت سین حذف شود.

کاربری به زبان طنز نوشته بود: «درباره ماهی قرمز و سبزه که سسال پیش افاضات فرموده بودین. سمنو رو هم که اسال به لیست خوردنی‌های سرطان‌زا اضافه کردید. تعارف نکنین اگه دوست دارین سماق رو هم نذاریم توی سفره هفت سین که کباب‌ها ناراحت نشن و به حقوقشون تجاوز نشه».

نمادها را بگذارید برای مردم

آن‌طور که کمپین تحریم ماهی قرمز می‌گوید، رهاسازی ماهی قرمز در طبیعت موجب اختلال در چرخه محیط زیست، کاهش جمعیت آبیان مهم و رشد گیاه‌های دریایی مضر می‌شود. اینکه ادعای این کمپین‌ها تا چه اندازه درست باشد، معلوم نیست اما از چند روز پیش فرهنگسرای تهران برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی، شروع به جمع‌آوری ماهی قرمزها از سطح شهر کرده‌اند. این فرهنگسراها برای تشویق مردم، به خانواده‌هایی که ماهی قرمز سفیره هفت سینشان را به فرهنگسرا تحویل دهند، کتاب کودک هدیه می‌دهند. حرکت پسندیده‌ای که باید از سال‌های آینده در تمام شهرهای کشور انجام شود.

ماهی قرمز حتی اگر نماد سال نو چینی باشد، در این سال‌ها تبدیل به یکی از اصلی‌ترین نمادهای نوروز هم شده است. نمادی که هیچ جوهره نمی‌توان از سفیره هفت سین حذفش کرد. وقتی می‌توانیم با مدیریت صحیح و جمع‌آوری ماهی قرمز توسط نهادهای مختلف، جلوی ورود این ماهی‌ها به طبیعت و آسیب‌های احتمالی را بگیریم، چرا به نمادهای نوروز، هفت سین و باورهای ریشه‌داری که هویت جامعه ایرانی را می‌سازند، حمله کنیم؟

دایه مهربان‌تر از مادر
فعالان حقوق حیوانات و محیط زیست، نگهداری ماهی در تنگ آب را تجاوز به حقوق حیوانات و خارج از چارچوب انسانیت می‌دانند، اما درباره نگهداری از حیوانات خانگی، عقیم کردن گربه‌ها و سگ‌ها برای تبدیلشان به حیوانات خانگی، جدا کردن آن‌ها از طبیعت و اجبار آن‌ها به زندگی شهری حرفی نمی‌زنند! یکی از کاربران در این باره نوشته است: «همین حامیان حقوق حیوانات، سگ و گربه رو عقیم می‌کنند، داخل قفس می‌اندازند، لباس‌های گرانبه‌تر تنش می‌کنند، قلاده مروارید کاری شده می‌اندازند و روزی سه وعده غذای کارخانه‌ای جلوش می‌گذارند و احساس می‌کنند در حق حیوان زبان بسته لطف کرده‌اند. حیوان باید داخل طبیعت زندگی کنه و غذاشو شکار کنه نه اینکه داخل قفس باشه و غذای بسته‌بندی بخوره!»

ماهی قرمز چینی!

اعضای کمپین «نه به ماهی قرمز» می‌گویند، ماهی قرمز از نمادهای اصیل سفیره هفت سین نیست و حدود ۱۰۰ سال پیش از چین وارد ایران شده است. اعضای این کمپین مجازی معتقدند ماهی قرمز نماد سال نو چینی است، اما خیلی‌ها به اشتباه آن را نماد نوروز معرفی می‌کنند. باور کنید مخالفان کمپین «نه به ماهی قرمز» از خیلی از این موارد با حامیان محیط زیست و حقوق حیوانات موافق‌اند و خدایی نکرده با آن‌ها پدرکشتگی ندارند، اما می‌دانند اگر در مورد ماهی قرمز کوتاه بیایند، سال‌های آینده نوبت به سبزه و سایر نمادهای هفت سین می‌رسد. همین امسال هم در کنار کمپین تحریم ماهی قرمز، کمپین‌هایی برای تحریم سبزه شکل گرفته بود که

کیان راه: انگار حمله به نمادهای مذهبی، فرهنگی و باستانی، عادت روزمره بعضی از اهالی و کمپین‌های فضای مجازی شده است! کمپین‌هایی که با هدف تقدس‌زدایی از نمادهای مذهبی و حمله به نمادهای سنتی و باستانی، مثل نقل و نبات در فضای مجازی اعلام موجودیت می‌کنند و در پشت رُست‌های روشنفکرانه و استدلال‌های آیکی، هرچیزی را به خورد مخاطبانشان می‌دهند.

نه به ماهی قرمز

حدود دو هفته پیش از عید، کمپین تحریم ماهی قرمز شروع به فعالیت کرد. شردود دو هفته پیش از عید، کمپین تحریم ماهی قرمز شروع به فعالیت کرد. این کمپین به روش‌های مختلف از مردم می‌خواست ماهی قرمز را از سفیره هفت سین حذف کنند. در یکی از پیام‌های این کمپین آمده بود: «جای ماهی قرمز در به خاطر اشتباه من و شما گرفته می‌شود و سود کلان به جیب شیادان این تجارت می‌رود. از این چرخه ظلم و ستم بیرون آییم و امسال سفیره هفت سین پاک داشته باشیم!»

از آن طرف اما بسیاری از اهالی فضای مجازی که حمله به نمادهای سفیره هفت سین را تاب نمی‌آورند، شروع به جبهه‌گیری در مقابل کمپین تحریم ماهی قرمز کردند. یکی از کاربران با کنایه به غرب‌زدگانی که از این کمپین حمایت می‌کنند، نوشت: «متأسفانه دل‌توان برای ماهی قرمز سفیره هفت سین می‌سوزوه ولی برای گوزن‌های بدبختی که هر سال به صورت نمادین سورتمه باپانول رو توی کریسمس می‌کشن نمی‌سوزه چون اون نماد، نماد غربی‌هاست و این نماد، نماد سفیره هفت سین!»

مجاز آباد

جنگ روانی سلبریتی‌ها

تهدیه میلیاتی با دستکاری در یکی از تصاویر مربوط به سیل پلدختر، نیروی بسیجی حاضر در عکس را حذف کرده و تصویر را با تیتراژ «کارشان از گریه گذشته، از آن می‌خندند» در اینستاگرامش منتشر کرد. جواد موگویی، عکاس همان عکس در واکنش به این ماجرا در اینستاگرامش نوشت: «این عکس را روز سوم انداختم. محله سازمانی‌ها کنار رودخانه کشکان رود در پلدختر. بیشترین تخریب در این محل بوده.

وقتی داشتم کادر را تنظیم می‌کردم، خانم مانتو مشکی به شوخی گفت: بنار زُست بگیریم! آقای کنارآش را لیخند گفت: تو این بدبختی زُست گرفته! نیروی مردمی گفت: عیب نداره بابا! اجازه هست ما هم بیایم تو بدبختی شما؟ اینو که گفت همه با هم خندیدیم... امیدوارم برش این عکس اشتباه سهوی بوده باشد و گرنه از جوانمردی و مروت به دور است که اندک لیخندهای خانواده‌ای سیل‌زده را که می‌تواند امیدها را زنده کند، تغییر به مجنون‌های سر بدبختی کرد و از طرفی حضور نیروی مردمی را که خالصانه و صادقانه به کمک هموطنش آمده، سانسور کنیم. دلم از پست خانم میلیاتی گرفت. از اینکه در میان این مصیبت‌ها، باید این جنگ روانی را هم تحمل کنیم.»

گزارش مردمی بیرانوند

علیرضا بیرانوند دروازه‌بان تیم فوتبال پرسپولیس که برای جمع‌آوری کمک‌های مردمی به سیل‌زدگان به استان لرستان سفر کرده است، در اینستاگرامش نوشت: «هموطنان عزیز، مهرورزی و مهربانی شما توصیف‌ناپذیر و زیانم قاصر از لطف و عنایت شما به هموطنان سیل‌زده است. تمامی کمک‌های صورت گرفته طبق درخواست شما شخصاً به مناطق سیل‌زده حمل و پس از شناسایی محل‌های مورد نظر، توسط افراد معتمد بسته‌بندی و به نقاطی که کمتر مورد توجه قرار گرفته، ارسال یا در حال ارسال است. امیدوارم قدر مردم خوب و نجیب را بیشتر بدانیم و برخی مسئولان به جای سلفی گرفتن، خودنمایی و ریاکاری، به داد مردم گرفتار برسند و شرایط را به حالت عادی بازگردانند.»

کمک‌رسانی به سبک اروپایی‌ها

کمک‌های ناچیز برخی از کشورهای اروپایی به سیل‌زدگان ایران سوزده شبکه‌های مجازی شده است. یکی از کاربران با اشاره به کمک‌رسانی آلمان در توییتش نوشت: «به لبنانی دیروز ۱۰ هزار دلار به سیل‌زدگان ایرانی کمک کرده، به کشور اروپایی مثل آلمان هم ۴۰ تا جلیقه و ۲۵ جفت بوت برای سیل‌زدها ارسال کرده، به قول سردار حاجی‌زاده «وسعت استان‌های سیل‌زده ما از برخی کشورهای اروپایی بیشتر»! اون ۲۵ تا بوت رو بر گردونید به خودشون لازمشون میشه...» کاربر دیگری هم با اشاره به کمک فرانسه نوشت: «هیگم فرانسه به وقت ورشکست نشه ۵۰۰ تا پتو فرستاده! کلی کشور مستعمره دارن بعد پتو می‌فرستن برامون. ما اگه پولای قلک بچه هامونو می‌داشتیم رو هم بیشتر از این در می‌اومد!»

روایت

روایتی درباره «قالیچه‌های کرمانجی» که در قدیم «سفره» خوانده می‌شدند
سوغاتی از خطه خراسان



چهارمیزه دختران کرمانج بدون آن فرش‌های کوچک دستباف چیزی کم دارد. قالیچه‌های کوچکی که طبیعت شمال خراسان را با نقش‌ها و طرح‌های ساده هندسی، تصویر کرده و در گره‌ها و تار و پودشان نشانه‌هایی از دست بافته‌های غرب ایران دارند. فرش و گلیم‌های کرمانجی، نقش‌های ساده‌ای دارند. نقش‌هایی که از گوشه و کنار زندگی روستایی الهام گرفته شده‌اند، از کوه‌ها، درخت‌ها، جانوران و زندگی روزمره. هر کدام به صورتی روی این دست بافته‌ها نشسته‌اند و اسمی گرفته‌اند از «چاگل» گرفته تا «مشک» و «جبران». از قاب گلیم‌های کرمانجی و این نقش‌ها و رنگ‌ها می‌شود، زندگی این مردمان خوش ذوق را تماشا کرد. هرچند که چند دهه‌ای است که بعضی از بافندگان کرمانجی به بافتن فرش و قالیچه‌هایی با طرح‌های کاشانی و تبریزی متمایل شده‌اند، اما هنوز هم بسیاری به طرح‌ها و نقش‌های سنتی وفادار مانده‌اند. از همان نقش‌هایی که در دست بافته‌های نابی باید سراغشان را گرفت که مادر بزرگ‌های کرمانجی هنوز هم در چهارمیزه‌هایشان نگه داشته‌اند.

هنری قدیم از زنان کرمانج

گلیم‌های کرمانجی انواع مختلفی دارند. از گلیم‌های اعلا که به دیوار میهمانخانه کرمانج‌ها اوخته می‌شوند تا گلیم‌های پادری.

گلیم‌های نفیس: گلیم‌های کرمانجی یا آن طور که خود کرمانج‌ها

می‌گویند سفره کردی مثل همه گلیم‌های دیگر، فرش‌های بدون برزی هستند که نوع بافتشان با قالی و قالیچه فرق می‌کند. در بافت گلیم به‌جای آنکه دنباله تن به عنوان برز، نقش‌ها و شکل‌ها را بسازد، تنها گره‌ها هستند که تصاویر را خلق می‌کنند. گلیم‌ها با نخ مرغوب بافته می‌شوند و اگر طرح و نقش خوبی داشته باشند و خوب هم بافته شده باشند تا میلیون‌ها تومان هم مشتری دارند. زنان کرمانج به شکل معمولی، یک گلیم نفیس را در کمتر از دو ماه می‌بافند.

پادری: پادری هم گلیم است، اما گلیم‌های ارزان قیمتی که

ساده‌تر و در زمان کمتری بافته می‌شوند. این گلیم‌ها معمولاً جلوی در اتاق پهن می‌شوند. پادری‌ها معمولاً نقش‌های کمتری دارند و زمینه‌شان ساده است. با کمتر از ۵۰۰ هزار تومان هم می‌شود یک پادری مرغوب خرید.

کناره: گلیم‌های کناره، طول بیشتری دارند و معمولاً کناره‌های

اتاقی را می‌پوشانند، که به خاطر ابعاد متفاوت فرش‌ها و اتاق‌ها، خالی مانده است. گلیم‌های کناره بسته به نوع تار و پود و طول و عرضشان، تا چند میلیون تومان قیمت دارند.

قالیچه: زنان کرمانجی علاوه بر گلیم، قالیچه و پلاس هم

می‌بافند. قالیچه‌های کرمانجی که به قالیچه‌های ترکمنی شبیه هستند، مشتری‌های خودشان را دارند. نقش و نگارهای قالیچه‌های کرمانجی هم مثل گلیم‌های کرمانجی بیشتر از زندگی روستایی و طبیعت سرسبز منطقه الهام گرفته شده است. این قالیچه‌ها بسته به ابعاد، طرافت و طرح‌شان بین ۵۰۰ هزار تومان تا چند میلیون تومان قیمت دارند.

پلاس: پلاس زیراندازی است که از موی بز یا پشم شتر بافته

می‌شود و به همین خاطر کمی زبر است. پلاس زیرانداز ارزان قیمتی است که می‌شود همه جا از آن استفاده کرد. از کف سیاه‌چادرهای عشایری گرفته تا پشت اسب و قاطر برای بستن زین و انداختن خورجین. تنها با چند ۱۰۰ هزار تومان می‌توانید یک و نیم در ۲ متر تا حتی پلاس در ۳ متر خرید.

طبیعتی بر روی قالی

نخ‌های گلیم‌بافی تا قبل از آنکه رنگ‌های صنعتی همه جا را پرکنند، با استفاده از مواد گیاهی رنگ می‌شدند. روناس، زعفران، پوست انار، پوست بادامجان و پوست گردو از موادی بود که کرمانج‌ها دست بافته‌هایشان را با آن رنگ می‌کردند. البته هنوز هم ممکن است، بتوانید دست بافته‌هایی را پیدا کنید که نشان با رنگ طبیعی رنگ شده است. این روزها بافندگان معمولاً نخ‌های رنگی را به صورت آماده می‌خرند و دست به کار بافت می‌شوند. گلیم کرمانجی معمولاً ابعادی شبیه به هم و هم‌اندازه دارند. عرضشان بین ۵۰ تا ۷۰ سانتیمتر و طولشان بین ۱۲۰ تا ۱۵۰ سانتیمتر است. دار این گلیم‌ها روی زمین پهن می‌شود. این گلیم‌ها از روی نقشه بافته می‌شود و بیشتر نقش‌های به کار رفته در آن‌ها هندسی است و حالتی متقارن دارند. این طرح‌ها هر کدام اسمی دارند و بازگو کننده بخشی از فرهنگ کرمانجی هستند. چین، چاگل، چوچک، بوته، شالچه، مشک، جبران، ترمایک و هفشان، چند تایی از آن اسامی هستند.

در همه شهرهای استان خراسان شمالی و شمال خراسان رضوی، می‌شود از فرش فروشی‌ها و فروشگاه‌های صنایع دستی، گلیم کرمانجی را سراغ گرفت. بیشتر کارگاه‌های سنتی گلیم بافی در شهر قوچان خراسان رضوی است، اما بیشترین مراکز فروش این گلیم‌ها در شهر پنجنورد مرکز استان خراسان شمالی است. اگر هم خواسته باشید می‌توانید به صورت اینترنتی از چند سایتی که به فروش سفره کردی می‌پردازند، به صورت آنلاین خرید کنید. در شهر مشهد هم در بازار رضاع) و بازارچه «شهید آستانه پرست» یا همان «بازارچه حاج‌آقاخان» هم می‌توانید گلیم‌های کرمانجی را پیدا کنید.



روایت «کیان جهانی» که حاضر شد همه دارایی‌هایش را وسط بگذارد، اما ایده راه‌اندازی موزه آداب و رسوم کردها روی زمین نماند

این موزه عشق من است

«خانه کرد» که یک موزه برای فرهنگ و آداب و رسوم کردهاست. آن‌ها چند سال پیش از این، ماشین و طلاهایشان را فروختند و پولی دست و پا کردند تا بشود سرمایه راه‌اندازی یک خانه قدیمی؛ خانه‌ای که قرار است گردشگرها را ببرد به ۱۰۰سال پیش زندگی کردهای اورامان؛ بنایی که حالا چند سالی است پا گرفته و البته مقدمه‌ای شده برای فکرهای بزرگ‌تر کیان جهانی و خانواده‌اش که دوست دارند یک دهکده گردشگری داشته باشند پر از ابزار، وسایل و فرهنگ و رسوم قوم کرد.

مردم/ عباسعلی سیااهی یونسلی «کیان جهانی» یکی مثل همه ماست؛ مثل همه ایرانی‌ها، مثل همه کردها، مثل همه آدم‌هایی که هر روز توی خیابان از کنار ما رد می‌شوند. دلمشغولی او اما، با خیلی از این آدم‌ها فرق دارد. یعنی درست در روز گاری که خیلی‌ها تلاششان این است که سکه روی سکه بگذارند و در روزهای بالا و پایین رفتن نرخ ارز، یک تومان‌شان، دو تومان شود، کیان جهانی و خانواده‌اش، ۲۰۰ میلیون از پولشان را وسط گذاشتند تا یک فکر را تبدیل به حقیقت کنند؛ فکر ایجاد «پانه کورده واری» یا همان

ایده ایجاد «پانه کورده واری» از کجا آمد و این موزه فرهنگ روستایی چطور شکل گرفت؟

خب من از کودکی دلبسته فرهنگ و آداب و سنن زادگاهم کردستان بودم. بعداهم درگشت‌وگذارهایی که به خاطر شغل در شهرهای مختلف داشتم، می‌دیدم که متأسفانه در کنار پیشرفت‌هایی که در شهرها و روستاها شکل گرفته، کم‌کم آداب و سنت‌ها و فرهنگ اصیل این مناطق در حال کم رنگ شدن و از بین رفتن است. مثلاً وقتی به روستاها می‌رفتم، می‌دیدم که حتی معماری‌شان هم دچار آسیب‌های جدی شده است. به علاوه در سال‌های اخیر وسایلی به زندگی مردم راه پیدا کرده که موجب تغییر در فرهنگ مناطق مختلف شده است. این موجب شد که من در کنار ضبط برنامه‌هایی از آیین و فرهنگ شهرها و روستاهای کردستان، به ایجاد یک موزه هم فکر کنم.

دست به کار شدید؟

بله. از سال ۹۴ که ایده این موزه به ذهنم رسید، دست به کار شدم. البته آنچه در ذهن من بود، با چیزی که بعداً ساخته شد، فرق داشت. ایده اولیه من ایجاد یک دهکده کوچک مثلاً با ۱۰ خانه بود که هر خانه، آن نماینده بخشی از کردستان باشد و آداب، فرهنگ، لباس، غذا و حتی معماری و ابزار زندگی آن منطقه را در قدیم نمایش بدهد. من در ابتدا برای عملی کردن این ایده دست به کار شدم، اما اجرای این ایده در کمتر از یک هکتار ممکن نبود. از طرفی متأسفانه زمین مورد نیاز تأمین نشد و برای همین من هم فکر کردم تا با همین توانی که دارم، اقدام را در مقیاس کوچک تری عملیاتی کنم. دست آخر هم در سال ۹۵ این فضا را اجاره کردم و دست به کار شدم.

پس عملاً می‌شود گفت که این موزه بخشی از ایده اولیه شماست.

بله چون برای ایجاد دهکده خیلی از نپاندها باید با من همراهی می‌کردند تا بتوانیم زمین بزرگ مورد نیاز را تأمین کنیم. البته علاوه بر زمین، بخش‌های دیگر کار هم هزینه کمی نداشت و از توان یک نفر خارج بود.

است. چون ناخواسته هر جایی که برق و جاده برود، کم‌کم بر همه جنبه‌های زندگی مردم تأثیر می‌گذارد و شکل زندگی‌ها را تغییر می‌دهد. برای همین من در این موزه کوچک به دنبال احیای چیزهایی هستم که از بین رفته‌اند یا دارند آخرین نفس‌هایشان را می‌کشند. از طرفی دلم می‌خواست در این موزه زندگی در جریان باشم. برای همین خواستم کارهایی مثل نخریسی و پخت و پز به طور کلی همه کارهایی که در یک زندگی سنتی جریان داشته، در این موزه هم دیده شود. برای همین هم مدتی پنجشنبه شب‌ها اینجا پخت غذای محلی، حکایت گوئی، داستان گوئی و اجرای موسیقی سنتی و محلی داشتم که باز در راستای ایجاد این موزه و آنچه به دنبال آن بودم، کار کرد داشت.

حالا حتماً به فکر اجرایی کردن پروژه اصلی‌تان هستید.

الان دو سالی می‌شود که در این فکر هستم. فکرش را بکنید که ما در شمال کشور، موزه میراث روستایی گیلان را داریم که در محیطی ۶۰ هکتاری بنا شده و تصاویری از زندگی سنتی آن منطقه است و در زمین ۱۰ موزه زندگی در جریان باشم. برای همین خواستم کارهایی مثل نخریسی و پخت و پز به طور کلی همه کارهایی که در یک زندگی سنتی جریان داشته، در این موزه هم دیده شود. برای همین هم مدتی پنجشنبه شب‌ها اینجا پخت غذای محلی، حکایت گوئی، داستان گوئی و اجرای موسیقی سنتی و محلی داشتم که باز در راستای ایجاد این موزه و آنچه به دنبال آن بودم، کار کرد داشت.

این بازخوردها شما را بی‌انگیزه یا دلسرد نمی‌کرد؟

من می‌دانستم اگر همت کنم، می‌توانم به چیزی که می‌خواهم، برسم. کاری هم نداشتم که بخش دولتی وقتی طرح‌های توجیهی من را می‌دیدند، استقبالی از انجام آن نداشتند. البته طبعاً بدون کمک آن‌ها من پنج تا ۱۰ درصد اقدام را عملی کرده‌ام. در حالی که اگر همکاری و همراهی بخش‌های دولتی بود، می‌توانستم ۱۰۰ درصد چیزی را که به دنبال آن هستم، عملی کنم و این میراث به عنوان جاذبه‌ای برای میروان باقی بماند.

شما مشغول نمایش نمایی از معماری و فرهنگ اورامان بودید. خود این منطقه به لحاظ هویتی چقدر تغییر کرده بود؟

خب آنجا هم خیلی از گزند تغییرات در امان نمانده



حضور توریست‌ها یکی از اتفاقات همیشگی خانه کرد است



«خانه کرد» همیشه پر است از آیین‌ها و مراسم کردی



هر چه را داشتیم فروختیم تا این موزه سرپا بماند برای «پانه کورده واری»

بیشتر از ۳۰۰ وسیله و ابزار در آن وجود دارد. غیر از کوزه‌ها هم بقیه ابزار و وسایل تکراری نیستند و از روستاهای مختلف جمع شده‌اند.

خود شما به زمان و هزینه‌ای که برای این محل گذاشته‌اید، احتیاج نداشتید؟ مثلاً آن ۲۰۰ میلیون تومان مورد نیاز خود شما نبود؟

قطعاً مورد نیاز بود. مثلاً خود ما مستأجر هستیم، اما این موجب نمی‌شد که به راه انداختن این موزه که بخشی از شناسنامه ماست، فکر نکنیم. من حتی برای تکمیل همین بنا مجبور شدم طلاهای همسر و ماشینم را بفروشم و حتی پولی را که از ساخت برنامه‌هایم می‌گرفتم، اینجا هزینه کنم.

چرا؟ یعنی این قدر به این کار علاقه‌مند بودید؟

بله این موزه عشق من است. نمی‌توانم به راحتی از این عشق بگذرم.

آماری هم از تعداد وسایلی که جمع کرده‌اید، دارید؟

این موزه نخستین موزه مردم‌شناسی غرب کشور است که

این شبیه سازی چقدر برای شما هزینه داشته است؟

من در سال ۹۵ توانستم در مدت سه ماه این مکان را آماده کنم و برای اجرایی اقدام حدود ۲۰۰ میلیون تومان هزینه شد. البته در کنار هزینه اولیه، در حال حاضر هم ماهیانه یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان اجاره این مکان را می‌دهم.

خیلی زیاد است!

بله. تازه فکر کنید من برای جمع کردن این وسایل، روستاهای زیادی را گشتم تا توانستم این وسایل را بخرم. همه تلاشم هم این بود که چیزهایی را که لازم

دارم، بازسازی نکنم. از نظر خودم اگر وسایل را بازسازی می‌کردیم، حس و انرژی لازم را نه برای من داشت و نه برای بازدیدکنندگان. چیزی که تازه است، آن انرژی را که چوب قدیمی و به جا مانده از ۱۰۰ سال قبل دارد، دارا نیست. برای همین مدت زیادی را در روستاهای کردستان و بخصوص اورامان و میروان گشتم و برای تهیه هر کدام از این وسایل هزینه کردم.

این شبیه سازی چقدر برای شما هزینه داشته است؟

من در سال ۹۵ توانستم در مدت سه ماه این مکان را آماده کنم و برای اجرایی اقدام حدود ۲۰۰ میلیون تومان هزینه شد. البته در کنار هزینه اولیه، در حال حاضر هم ماهیانه یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان اجاره این مکان را می‌دهم.

خیلی زیاد است!

بله. تازه فکر کنید من برای جمع کردن این وسایل، روستاهای زیادی را گشتم تا توانستم این وسایل را بخرم. همه تلاشم هم این بود که چیزهایی را که لازم



نخستین کاروان شاعران و نویسندگان جهادی در مناطق سیل زده

فارس: مسئول «کاروان شاعران و نویسندگان جهادی» از اعزام نخستین گروه از اهالی هنر خیر داد و گفت: نخستین گروه از شاعران و نویسندگان جهادی که سابقه حضور در اردوهای

جهادی را دارند در این مرحله به مدت پنج روز به مناطق سیل‌زده غرب کشور اعزام می‌شوند.

محمدرضا وحیدزاده مسئول «کاروان شاعران و نویسندگان جهادی» درباره فراخوان شهرستان ادب برای اعزام شاعران و نویسندگان به مناطق سیل‌زده غرب کشور توضیحاتی داد.

وی در این گفت‌وگو ضمن اشاره به اینکه مؤسسه شهرستان ادب اقدام به انتشار این فراخوان کرده‌است، بیان داشت: شهرستان ادب با توجه به نیاز مبرم هموطنان سیل زده غرب کشور، این فراخوان را منتشر کرد و از اعضای دوره‌های آموزشی «آفتابگردان‌ها» و «مدرسه رمان» برای حضور و خدمت‌رسانی دعوت کرد.

وحیدزاده تصریح کرد: اتفاق رخ داده همه را متأثر کرده‌است، وظیفه دینی و انسانی ماست تا به کمک هموطنان بشتابیم. گزارش‌ها از مناطق سیل‌زده نشان می‌دهد شرایط وخیم‌است، از این رو ما نیز مانند سایر افراد جامعه تصمیم گرفتیم به اندازه وسع خود به منطقه رفته و در خدمت نیروهای جهادی باشیم.

این شاعر با تأکید بر اینکه در روزهای اخیر با گروه‌های جهادی مستقر در منطقه جهت هماهنگی با آن‌ها و کمک‌رسانی تحت مدیریت این گروه‌ها در تماس بوده‌اند، گفت: مهم در صحنه بودن‌است. با توجه به اطلاعات کسب شده، در این مرحله صرفاً به نیروی خدماتی برای کار میدی نیاز‌است، از این رو اعزام کردیم دوستانی که به فراخوان لایک می‌گویند بتوانند در این مرحله تحت مدیریت گروه‌های جهادی برای به نتیجه رسیدن امور، کار بیدی انجام خواهد شد.

وی افزود: ممکن‌است در ادامه نیازمند کمک فرهنگی هم باشیم و احتمالاً پس از گذار از این مرحله، برنامه‌ریزی‌هایی خواهیم داشت؛ بنای ما این‌است که کاروان جهادی شاعران و نویسندگان روز چهارشنبه به سمت مناطق سیل‌زده حرکت کند، قرار نیست کار هیجانی صورت گیرد، می‌دانیم کار بسیار‌است و طبق گزارش‌ها به کمک نیروهای مردمی در این منطقه بسیار نیاز‌است. وحیدزاده با اشاره به این مطلب که زمان مفید برای حضور شاعران و نویسندگان در مرحله نخست پنج روز خواهد بود، اضافه کرد: در فراخوان اول زمان حضور گروه شاعران و نویسندگان پنج روزه‌است، اما در ادامه فراخوان دومی منتشر خواهد شد و فراخوان دوم موجب می‌شود نیروهای تازه نفس جایگزین شوند. به گفته وی، این اردو در مرحله نخست صرفاً مختص آقایان‌است. شرایط مراحل بعدی متعاقباً اعلام خواهد شد. در این مرحله اولویت با افرادی‌است که سابقه حضور در اردوهای جهادی را داشته باشند.

اعلام برنامه‌های طنز هفته هنر انقلاب اسلامی



مهر: مدیر دفتر طنز حوزه هنری، برنامه‌های این دفتر در هفته هنر انقلاب اسلامی را تشریح کرد.

ناصر فیض، درباره برنامه‌های هفته هنر انقلاب اسلامی این دفتر گفت: نقد و بررسی شعر طنز دوران انقلاب اسلامی را در هفته هنر انقلاب خواهیم داشت. این برنامه ساعت ۱۷ سه‌شنبه ۲۰ فروردین در سرای اهل قلم برگزار می‌شود.

سلسله نشست‌های «مکتبخانه طنز» نیز در ویژه‌نامه‌های به نقد و بررسی مطبوعه دهه اول انقلاب اسلامی اختصاص خواهد داشت. این برنامه هم ساعت ۱۷ چهارشنبه ۲۱ فروردین‌ماه در سرای اهل قلم برپا می‌شود. سرای اهل قلم همچنین ساعت ۱۷ شنبه ۲۴ فروردین‌ماه میزبان علاقه‌مندان به آثار طنز مهرداد صدقی خواهد بود. نشست داستان طنز بعد از انقلاب، نگاه به سه‌گانه کتاب‌های مهرداد صدقی به نقد و بررسی آثار این نویسنده مطرح کشور می‌پردازد.

همچنین ویژه‌نامه «حج حلقه زندان» با حضور جمع فراوانی از هنرمندان و شاعران طنزپرداز کشور ساعت ۱۷ یکشنبه ۲۵ فروردین به مناسبت هفته هنر انقلاب اسلامی در تالار سوره حوزه هنری برگزار می‌شود.

گفتنی‌است، علاقه‌مندان برای حضور در برنامه‌های مرتبط با سرای اهل قلم می‌توانند به حضور خیابان انقلاب، خیابان برادران مظفر جنوبی (صیای جنوبی)، کوچه خواجه نصیر، شماره ۲ و برای حضور در برنامه تالار اندیشه، به حوزه هنری واقع در خیابان سمیه نرسیده به پل حافظ مراجعه کنند. جشن هفته هنر انقلاب به مناسبت سالروز شهادت شهید مرتضی آوینی در تاریخ ۲۰ فروردین‌ماه ۹۸ آغاز شده و در طول یک هفته ضمن مرور مهم‌ترین رویدادهای مرتبط با هنر انقلاب و هنرمندان انقلاب و معرفی چهره سال هنر انقلاب، با نمایش فیلم‌ها، اجرای تئاترها، برگزاری کنسرت و نمایشگاه‌های تجسمی و تا تاریخ ۲۶ فروردین ادامه می‌یابد.

هم‌زمان با هفته هنر انقلاب اسلامی

شب شعر «دیدار ماه» برگزار می‌شود



مهر: شب شعر «دیدار ماه» با حضور شاعران پیشکسوت و مطرح سراسر کشور، پنجشنبه ۲۲ فروردین در حوزه هنری برگزار می‌شود. عباس محمدی، مدیر مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری درباره برنامه‌های این مرکز در هفته هنر انقلاب اسلامی گفت: شب شعر «دیدار ماه» که پیشتر با حضور شاعران پیشکسوت و مطرح سراسر کشور در حوزه هنری برگزار می‌شد، در هفته هنر انقلاب اسلامی نیز به شکل ویژه پنجشنبه ۲۲ فروردین ساعت ۲۰ در مسجد ایتالله خامنه‌ای برگزار می‌شود. وی ادامه داد: برنامه تلویزیونی با محوریت داستان انقلاب اسلامی نیز به مدت هفت شب از تلویزیون پخش می‌شود. در این برنامه از نامداران داستان کشور دعوت می‌شود تا در زمان مشخص درباره ۴۰ سال ادبیات انقلاب اسلامی و آثار درخشان ادبی آن صحبت کنند. این برنامه از تولیدات حوزه هنری خواهد بود. محمدی همچنین گفت: در هفته هنر انقلاب اسلامی، اختتامیه جشنواره شعر و داستان انقلاب اسلامی را هم خواهیم داشت که در این آیین از دو پیشکسوت بنام عرصه شعر و داستان نیز به مناسبت ۴۰ سال تلاش قدرتمندی خواهد شد. جشن هفته هنر انقلاب با شعار «هنر متعهد به حقیقت» از ۲۰ فروردین آغاز می‌شود.

در گفت‌وگو با نویسنده کتاب «خاطرات خدا» مطرح شد

پایه تربیت دینی باور به توحید است

ادب و هنر | جواد شیخ الاسلامی | کتاب «خاطرات خدا» آخرین کتابی‌است که به تألیف حجت الاسلام غلامرضا حیدری ابهری و توسط نشر جمال منتشر شده‌است. «خاطرات خدا» مجموعه‌ای از متن‌های حکایت‌وار است که بسا موضوع خدا برای مخاطبان کودک و نوجوان نوشته شده‌است.

حجت‌الاسلام حیدری ابهری که آثار بسیاری را برای کودکان در زمینه آموزش موضوعات دینی تألیف کرده، در این کتاب تلاش کرده با بهره بردن از زبانی حکایت‌گونه حضور خدا در زندگی روزمره را به کودکان آموزش دهد. کتاب «محمد مثل گل بود» یکی از پر مخاطب‌ترین و پرتیراژترین آثار است که از این نویسنده منتشر شده‌است. به بهانه انتشار «خاطرات خدا» با این نویسنده درباره این کتاب و بایسته‌ها و چالش‌های ادبیات کودک و نوجوان به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید:

♦ آقای حیدری! شما نویسنده پرکاری در ادبیات کودک و نوجوان هستید. می‌خواهم بدانم چطور شد با به این عرصه گذاشتید؟

آخر دبیرستان بودم که وارد حوزه شدم و ۲۰ سال اشتغال رسمی به تحصیل حوزوی داشتم. اما سیال ۲۲ بود که به صورت جدی تألیف را شروع کردم. در ابتدا خیلی تخصصی کار نمی‌کردم و تنوع کار زیاد بود، ولی به مرور زمان تمرکز خود را بیشتر روی حوزه کودک و نوجوان بردم. آن هم موضوع بیان مفاهیم دینی برای بچه‌ها. چون فکر می‌کردم جای‌ایسن رویکرد در ادبیات کودک و نوجوان ما خالی‌است.

♦ نخستین جرقه برای تمرکز بر این حوزه چه بود؟

منن با قصد و غرض به حوزه کودک و نوجوان وارد نشدم. دغدغه‌های من پس از ورودم به این حوزه شکل گرفتند. وقتی دیدم که کارهایی که می‌نویسم استقبال می‌شود متوجه شدم باید همین مسیر را ادامه بدهم. من درباره مفاهیم معنوی ۱۰ کتاب با موضوع خدا کار کردم و هر کدام هم حال و هوای خودشان را دارند، یعنی هیچ کدام تکرار دیگری نیست. خیلی از دوستان می‌پرسند چه شد که روی این حوزه تمرکز کردی؟ در جواب باید بگویم تحت تأثیر مقاله‌ای از مرحوم علامه طباطبایی قرار گرفتم. مقاله‌ای که در جلد اول المیزان نوشته شده‌است. ایشان معتقد است پایه تربیت دینی بر باور به توحید است و بدون باور به توحید تربیت دینی اصلاً نمی‌تواند اتفاق بیفتد، یعنی اساساً هیچ تربیتی اتفاق نمی‌افتد. این مقاله بسیار نفیس و ارزشمند است. بسیار دقیق و خوب تأثیر توحید را در تربیت بیان می‌کند. در کنار این خودم هم در آموزه‌های دینی‌مان زیاد دیده‌ام که توصیه می‌کنند توحید را به بچه‌ایمان یاد بدهیم. مجموع این‌ها دست به دست هم داد و سبب شد خیلی از کارهایم را متمرکز بر موضوع خدا قرار بدهم.

♦ کارهای شما با دیگر کتاب‌های این حوزه متفاوت هستند. درمورد شروع کار و این تفاوت توضیح می‌دهید؟
کتاب‌های بنده چون یک مقدار نو بود، در ابتدا به آن خیلی توجه نمی‌شد و حتی مخالفت هم می‌شد، ولی در ادامه شرایط بهتر شد. یک مشکلی که ما در کارهای مذهبی داریم تکرار زیادی مفاهیم است. اکنون تمام ناشران کودک و نوجوان داستان پیامبران دارند. من هم اشکالی نمی‌بینم. خوب‌انست که هر کسی با ادبیاتی متفاوت داستان پیامبران را معرفی کند؛ اما

مشکل اینجاست که فکر می‌کنیم داستان دینی یعنی معرفی پیامبران. این‌طور می‌شود که خیلی از موضوعات روی زمین می‌ماند. مثلاً ما درباره سیره پیامبر، نهج‌البلاغه، زیارات و ادعیه‌ها خیلی کم کار کرده‌ایم. همچنین می‌توان با نگاهی دینی به موضوعات روز پرداخت. خود من هم برای این موضوعات که می‌گویم کار کرده‌ام. مردم از موضوعات جدید واقعاً استقبال می‌کنند. درباره خودم بعضی از کتاب‌هایم خوب فروخت، بعضی کتاب‌ها جایزه گرفت و بعضی کتاب‌های دیگر توسط کسانی که اهل دقت و نظر بودند تشویق و تحسین شدند. البته در ابتدا چون تلقی همه از کار دینی یک مدل خاص‌است، ما به نظر من تا تردید نگاه کردند. حتی ناشرها با تردید کارها را منتشر می‌کردند. اما وقتی چند کار من با اقبال مواجه شد ناشران اعتماد کردند. دیدند کار جدید مخاطب خودش را دارد و حتی از آن کارهای تکراری که فکر می‌کنند پرفروش‌است، بیشتر مورد اقبال قرار می‌گیرد.

♦ شما نویسنده پرکاری هستید. می‌خواهم نظر خودتان را درباره کارهایتان برسم. تلاش کردید به لحاظ فنی و محتوایی چه رویگری داشته باشید؟
ابتدا می‌خواهم به یک مشکل بپردازم. دین حوزه وسیعی‌است. این اتفاق نباید در ذهن بچه‌ها بیفتد که آموزش دین یعنی آموزش تاریخ پیامبران یا آموزش روخوانی قرآن. اگر تصور بچه‌ها از دین یکسری اطلاعات و مفاهیم تاریخی باشد، اتفاق خیلی خطرناکی افتاده‌است. ما باید نخست با چستی دین آشنا شویم. دین راه زندگی‌است. اگر گفتیم راه زندگی‌است، باید در کتاب‌هایی که دست بچه‌های مردم می‌دهیم راه زندگی را نشان بدهیم. برای همین می‌گویم حوزه ادبیات کودک و نوجوان حوزه وسیعی‌است.

اینکه ما در بعضی از بخش‌ها حجم خیلی بالایی از کار را تولید می‌کنیم موجب می‌شود دستمان از دیگر موضوعات تپی شود. مثل



ما در سه حوزه باید برای بچه‌ها صحبت کنیم؛ یکی اثبات خدا، یکی بیان صفات خدا مثل مهربانی و حکمت و داناش و بسووم زندگانی خدایی. یعنی آن خدایی که اثبات شد و صفاتش گفته شد. حالا در رفتار من در مدرسه، خانه، خیابان و کوچه، یا مادره، پدره و دوستانم، نمود پیدا کند

این می‌ماند که از یک باغ میوه که صد تا میوه خوشمزه دارد، فقط سبب را به بچه‌ها نشان بدهیم. حرالی که اینجا یک باغ متنوع و گسترده‌است و برای نیازهای گوناگون آن‌ها حرف تازه دارد. من می‌خواهم مثال بزنم؛ کتابی دارم به نام «پول، خدا، بچه‌ها». در این کتاب درباره مسائل مالی که بچه‌ها به آن مبتلا هستند صحبت کرده‌ام. مثل پول تو جیبی، قرض دادن به دوستان، پیدا کردن پول در کوچه و خیابان، فراموش کردن دادن پول به فروشنده و امثال این‌ها. دو سه ماه پیش به بچه‌های بچه‌ها را رصد کرده‌ام تا به این موضوع رسیدم. در این کتاب اگر حدیثی گفتم بر محور نیاز مخاطب، حدیث را بیان کردم. منظوم از کاری که برای نیاز بچه‌ها

دینی یعنی معرفی پیامبران. این‌طور می‌شود که خیلی از موضوعات روی زمین می‌ماند. مثلاً ما درباره سیره پیامبر، نهج‌البلاغه، زیارات و ادعیه‌ها خیلی کم کار کرده‌ایم. همچنین می‌توان با نگاهی دینی به موضوعات روز پرداخت. خود من هم برای این موضوعات که می‌گویم کار کرده‌ام. مردم از موضوعات جدید واقعاً استقبال می‌کنند. درباره خودم بعضی از کتاب‌هایم خوب فروخت، بعضی کتاب‌ها جایزه گرفت و بعضی کتاب‌های دیگر توسط کسانی که اهل دقت و نظر بودند تشویق و تحسین شدند. البته در ابتدا چون تلقی همه از کار دینی یک مدل خاص‌است، ما به نظر من تا تردید نگاه کردند. حتی ناشرها با تردید کارها را منتشر می‌کردند. اما وقتی چند کار من با اقبال مواجه شد ناشران اعتماد کردند. دیدند کار جدید مخاطب خودش را دارد و حتی از آن کارهای تکراری که فکر می‌کنند پرفروش‌است، بیشتر مورد اقبال قرار می‌گیرد.

♦ کتاب‌های شما بیشتر غیرداستانی‌اند؛ دلیل این فرم و زبان چیست؟
البته من کار داستانی هم دارم که در آن قصه‌های کوتاه پیامبر را بازنویسی کرده‌ام، ولی ادعای قصه‌نویسی ندارم. به نظر من ما به ادبیات کودک و نوجوان ظلم می‌کنیم. در یکی از جشنواره‌ها هم به این اشاره شد که نباید ادبیات کودک و نوجوان را به ادبیات داستانی منحصر کنیم. من ابتدا دست‌هایم را در برابری پیشکسوتان داستانی و ادبیات بالا می‌برم. اما ادبیات کودک و نوجوان فقط

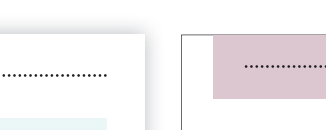
قصه و شعر نیست. اگر من درباره موضوعی به بچه‌ها توضیح دادم، مثل خیلی از کتاب‌هایی که از آن طرف دنیا برای ما ترجمه می‌کنند و به وفور در بازار موجود‌است، نباید کسی جبهه بگیرد. آن‌ها حتی درباره دایناسورها هم کتاب نوشته‌اند و ما اینجا ترجمه و منتشر می‌کنیم. اما اگر من همین کار را مثلاً درباره پیامبر انجام بدهم، می‌گویند آقا چرا داستان نوشتی؟ چه فرقی می‌کنند؟ چطور وقتی شما کتاب نجوم و دایناسورها چاپ می‌کنید، ادبیات کودک‌است، اما اگر من با همان فرم برای موضوعی دینی کاری بنویسم ادبیات کودک نیست؟ مثلاً غربی‌ها کتاب نوشته‌اند که وقتی سر سفره نشستی اینطوری بنشین و چطور غذا بخور و غیره. اما اگر من همین کتاب را بنویسم و بگویم پیش از غذا خوردن بسم الله بگو، دوستان می‌گویند «نه، قبول نیست» برای این مفاهیم باید قصه بگوییم. خب شما قلم‌ش را بگو! عیب ندارد.

♦ یعنی شما می‌گویید ادبیات کودک و نوجوان خیلی گسترده‌است؟

بله، بازار خیلی متنوعی‌است. کار داستان و غیرداستانی با هم متفاوت‌است. گاهی لازم‌است یکسری اطلاعات را در یک پاراگراف برای کودک بیان کنی و مثلاً بگویی آیه به چه معناست. می‌خواهم بگویم این سفره خیلی گسترده‌است. دلیل اینکه کارهای ما ابتدا با دشواری منتشر می‌شد به خاطر این بود که تصور دوستان از کار کودک فقط قصه‌گویی بود. من ارزش‌های داستان و شعر را می‌پذیرم، اما فکر می‌کنم باید تنوع را حفظ کنیم و حوزه‌های مختلف برای ما به رسمیت بشناسیم. من گاهی به این دوستان می‌گویم معیار از زیبایی شما چیست؟ اگر مخاطب‌است که مخاطب دارد استفاده می‌کند؛ اگر بازار است که کتاب دارد می‌فروشد. دنیا ادبیات را متنوع می‌بیند و در پیشینه ما هم متنوع بوده‌است.

♦ کتاب «خاطرات خدا» هم اسم خوبی دارد و هم تصویرپردازی‌ها به جذابیت کار اضافه کرده‌است. درباره ایده و فضای کتاب توضیح می‌دهید؟

کتاب حکایت‌گونه‌است و فقط به اثبات خدا و بیان صفات او محدود نمی‌شود. یکی از نقش‌های ما در آموزش توحید این‌است که فقط خدا و اثبات می‌کنیم یا مثلاً صفاتش را می‌گوییم، در حالی که ما در سه حوزه باید برای بچه‌ها صحبت کنیم؛ یکی اثبات خدا، یکی بیان صفات خدا مثل مهربانی و حکمت و داناش و سووم زندگی خدایی. یعنی آن خدایی که اثبات شد و صفاتش گفته شد. حالا در رفتار من در مدرسه، خانه، خیابان و کوچه، با مادرم، پدرم و دوستانم، نمود



♦ کتاب «خاطرات خدا» هم اسم خوبی دارد و هم تصویرپردازی‌ها به جذابیت کار اضافه کرده‌است. درباره ایده و فضای کتاب توضیح می‌دهید؟

کتاب حکایت‌گونه‌است و فقط به اثبات خدا و بیان صفات او محدود نمی‌شود. یکی از نقش‌های ما در آموزش توحید این‌است که فقط خدا و اثبات می‌کنیم یا مثلاً صفاتش را می‌گوییم، در حالی که ما در سه حوزه باید برای بچه‌ها صحبت کنیم؛ یکی اثبات خدا، یکی بیان صفات خدا مثل مهربانی و حکمت و داناش و سووم زندگی خدایی. یعنی آن خدایی که اثبات شد و صفاتش گفته شد. حالا در رفتار من در مدرسه، خانه، خیابان و کوچه، با مادرم، پدرم و دوستانم، نمود



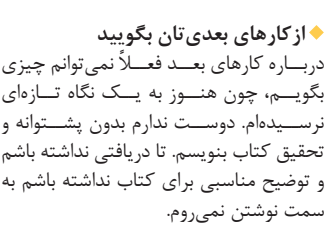
چطور باز شد؟ یکی از دوستان من کتاب خاطرات خدا را به دفتر آقای زائری برده بود. آقای زائری در صفحات مجازی کتاب را تبلیغ کردند و شما آن مطلب را دیدید. اکنون داریم با هم گفت‌وگو می‌کنیم و قطعاً کسان دیگری به همین واسطه با کتاب خاطرات خدا آشنا می‌شوند.

♦ از کتاب‌ها تا اکنون ترجمه هم شده‌است؟
شاید تاکنون حدود ۶۰-۵۰ کتاب بنده به زبان‌های دیگر ترجمه شده‌است. چون زبان فطرت‌است، در کشورهای دیگر هم مورد استقبال قرار می‌گیرد.

اما یک دوستی مثلاً به کتاب بنده نیازی ندارد. پس سریع می‌گوید آقا این کتاب‌ها به درد نمی‌خورد. می‌گویم معیار شما چیست؟ شاید برای شما مناسب نباشد، ولی شاید برای خانواده‌ای که می‌خواهد فرزندش را در فرانسه با تربیت اسلامی بزرگ کند مناسب باشد. مثل ترجمه کتاب «محمد مثل گل بود» که در کشورهای دیگر درحال خوانده شدن‌است. اگر شما در قم هستی و از کارهای مذهبی اشباع شده‌ای چرا فکر می‌کنی در هیچ‌یک‌های دنیا جواب نمی‌دهد؟ ناشران عربی من می‌گویند کتاب‌های شما را مثل کتاب‌های خوب خودمان داریم می‌فروشیم. وقتی از کتاب استفاده می‌شود چرا نباید کار کنیم؟ اخیراً با کمک یکی از دوستان در سایت آزمون تحقیقی کردم تا ببینیم چند کتاب با موضوع خدا در سایت آزمون قرار دارد که ۲۷۰ کتاب کودک با موضوع خدا پیدا کردیم. چرا بعضی می‌گویند پس‌است و بچه‌ها خسته شده‌اند و کتاب با موضوع خدا کشش ندارد؟ حتی غربی‌ها کتاب‌های بسیاری با موضوع خدا نوشته‌اند، اما بعضی‌ها می‌خواهند بگویند کشش ندارد و نیاز نیست. امیدوارم کتاب خاطرات خدا بتواند قدری از این خلأ بکاهد و بتواند ارتباط خوبی با بچه‌ها برقرار کند. همچنین امیدوارم این کتاب تست و آزمایشی برای دیگر دوستان نویسنده باشد تا کارهای نوتر و بهتری را به این موضوعات تألیف کنند.

♦ شما مشکل ادبیات کودک و نوجوان ما را چه می‌دانید؟
کارهای خوب در کشورمان کم نیست، منتها سیستم اطلاع‌رسانی ما خراب‌است. یک نویسنده با زحمت و تلاش زیاد یک کار خوب می‌نویسد، اما حتی مراکز تعلیم و تربیت ما مطلع نمی‌شوند. خیلی‌ها می‌گویند ما با اینکه در حوزه تربیت بچه‌ها مطلع هستیم، کارهای شما را ندیده‌ایم. منظر من این نقص بزرگی‌است. کم‌کاری‌های ما سر جای خودش، اما چرا همین کارهای خوبی که انجام می‌شود معرفی نمی‌شوند؟ اگر این نقص جبران نشود، بیش از ۱۰ برابر هم کار بکنید اتفاق کاری انجام ندادهاید. ولی اگر اطلاع‌رسانی ما درست شود، تأثیرگذاری یک کتاب ۱۰۰ برابری می‌شود. باب آشنایی و انجام همین گفت‌وگو

♦ از کارهای بعدی‌تان بگویید
درباره کارهای بعد فعلاً نمی‌توانم چیزی بگویم، چون هنوز به یک نگاه تازه‌ای نرسیده‌ام. دوست ندارم بدون پشتوانه و تحقیق کتاب بنویسم. تا بدیاتی نداشته باشم و توضیح مناسبی برای کتاب نداشته باشم به سمت نوشتن نمی‌روم.



کوتاه و خواندنی

فراخوان حراج آثار هنری برای کمک به سیل زدگان



باشگاه خبرنگاران: مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری با برپایی نمایشگاهی از حراج آثار منتخب هنری، عواید فروش این آثار را به آسیب‌دیدگان مناطق سیل‌زده اختصاص می‌دهد. حوزه هنری از همه هنرمندان برای شرکت در این حرکت خیرخواهانه دعوت می‌کند تا آثار خود را به منظور ارائه در نمایشگاه تا تاریخ ۱۹ فروردین به آدرس خیابان سمیه، نرسیده به حافظ، حوزه هنری، طبقه دوم، واحد تجسمی ارسال کنند. هنرمندان ساکن تهران می‌توانند برای انتقال آثار خود یا شماره تلفن ۰۹۱۲۳۲۰۲۶۱۰ تماس بگیرند تا هماهنگی‌های لازم در این راستا انجام گیرد. همچنین هنرمندان ساکن در شهرستان‌ها می‌توانند آثار خود را به مراکز حوزه هنری واقع در مراکز استان‌ها تحویل دهند یا به طور مستقیم به صندوق پستی ۱۶۷۷-۱۵۸۱۵ برای حوزه هنری تهران ارسال کنند. بدیهی‌است همه عواید فروش این حراج به آسیب‌دیدگان سیل اخیر اختصاص خواهد یافت. زمان برپایی نمایشگاه نیز از ۲۰ تا ۲۴ فروردین‌ماه ۱۳۹۸ اعلام شده‌است.

آماده‌سازی مصلاي تهران برای نمایشگاه کتاب



تسنیم: ایوب دهقانکار، سنگنوی سسی و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، گفت: مصلاي تهران آماده غرفه‌بندی‌است و مراحل نهایی آماده‌سازی برای استقرار و غرفه‌بندی ناشران را سپری می‌کند. وی با اشاره به ساخت و ساز در مصلاي و وعده‌های عملیاتی شده مدیران مصلاي گفت: طبقه زیرین رواق‌های شرقی که سال گذشته محل استقرار ناشران بین‌المللی بود و امسال به ناشران کودک اختصاص پیدا کرده‌است، در حال تکمیل سنگفرش‌است. امیدواریم با تأمین سنگ و انتقال آن به تهران این بخش کامل شود.

وی ادامه داد: ثبت‌نام بر کارتهای دانشجویی از روز سه‌شنبه آغاز می‌شود، ما علاقه‌مندیم اگر دستگامی بخواهد برای نشر خاصی بن کتاب خریداری کند. مشارکت داشته باشیم. برای نمونه شهرداری‌ها برای پاک‌بازان، آموزش و پرورش برای دانش آموزان و... میزان مشارکت و وزارت ارشاد در هی‌های مشارکتی ۱۰ تا ۳۰ درصد خواهد بود.

تغییر نام خیابان «ج» به جمشید مشایخی

سیما و سینما: روز گذشته شهردار منطقه یک تهران از موافقت شورای شهر تهران و تصویب کمیته نام گذاری شهرداری منطقه یک نسبت به نام‌گذاری خیابانی تحت عنوان استاد جمشید مشایخی خبر داد. او گفت: «خیابان «ج» در شمال تهران با تصویب کمیته نام گذاری شهرداری منطقه یک به نام استاد جمشید مشایخی تغییر نام می‌دهد و ماندگار می‌شود.»

از طرفی اعضای شورای شهر تهران هم در نخستین جلسه شورا در سال ۹۸ به تغییر نام خیابان «ج» واقع در منطقه ولنجک به نام «جمشید مشایخی» رأی مثبت دادند. پیش از این مدیر روابط عمومی سازمان سینمایی پیشنهاد این تغییر نام را به دلیل سکونت مرحوم مشایخی در خیابان «ج» مطرح کرده بود. همچنین این پیشنهاد از سوی ایرج راد در مراسم تشییع مرحوم مشایخی مطرح شده بود. در نهایت اعضای شورای شهر با این نام‌گذاری موافقت کردند.

«هفت» با مسعود فراستی برمی‌گردد

سیما و سینما: برنامه سینمایی «هفت» بعد از وقفهای کوتاه بزودی از شبکه سه سینما پخش می‌شود. فصل جدید برنامه سینمایی «هفت» که هم‌زمان با آغاز سی و هفتمین جشنواره ملی فیلم فجر به تهیه‌کنندگی مجتبی امینی و اجرای محمد حسین لطیفی روی آنتن رفت، بعد از وقفهای کوتاه همزمان با آغاز جشنواره جهانی فیلم فجر از اواخر فروردین ماه پخش خود را از سر خواهد گرفت. مجتبی امینی، تهیه‌کننده برنامه سینمایی «هفت» درباره شروع آن عنوان کرد: این برنامه قرار است با اجرای محمدحسین لطیفی و حضور مسعود فراستی با ایتم‌های جدید به بررسی فیلم‌های جشنواره جهانی فیلم فجر و سینمای ایران بپردازد.

نمایش ۳ مستند ترمیم شده از شهید آوینی

سیما و سینما: نسخه ترمیم شده سه فیلم مستند از ساخته‌های شهید سید مرتضی آوینی، برای نخستین بار در خانه هنرمندان ایران به نمایش مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. بر همین اساس روز سه‌شنبه ۲۰ فروردین ساعت ۱۹ فیلم «داستان پل» به نخستین هنرمندان ایران، به مناسبت بیست و ششمین سالروز شهادت سید مرتضی آوینی، برای نخستین بار نسخه ترمیم شده سه فیلم مستند شهید آوینی «و این است فتح الفتوح»، «داستان پل» و «شب عاشورایی» در قالب برنامه «سه روز با سید مرتضی آوینی» از ۲۰ تا ۲۲ فروردین ۱۳۹۸ هر شب از ساعت ۱۹ در محل خانه هنرمندان ایران به نمایش درمی‌آیند. همچنین پس از نمایش هر فیلم مستند، یک سخنرانی توسط استادان دانشگاه درباره آرای سینمایی شهید آوینی ایراد و در یک پنل با حضور هنرمندان و منتقدان برجسته اثر نمایش داده شده و مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. بر همین اساس روز سه‌شنبه ۲۰ فروردین ساعت ۱۹ فیلم «و این است فتح الفتوح» به نمایش در می‌آید و در ادامه دکتر انیس دوویکتور درباره سینمای شهید آوینی به سخنرانی می‌پردازد و سپس نشست نقد و بررسی فیلم با حضور سعید قطبی‌زاده و سید سجاد آوینی برگزار می‌شود روز چهارشنبه ۲۱ فروردین ساعت ۱۹ فیلم «داستان پل» به نمایش در می‌آید و در ادامه دکتر فریدعماد حسینی درباره سینمای شهید آوینی به سخنرانی می‌پردازد؛ و سپس نشست نقد و بررسی فیلم با حضور پیروز کلانتری، روبرت صافاریان و حامد شکیبانیا برگزار می‌شود. در روز پایانی نیز پنجشنبه ۲۲ فروردین ساعت ۱۹ فیلم «شب عاشورایی» به نمایش در می‌آید و در ادامه مریم امین، و مهرداد دانش درباره سینمای شهید آوینی به سخنرانی می‌پردازند و سپس نشست نقد و بررسی فیلم با حضور فریدون جیرانی، دکتر شهاب اسفندیاری و محمدحسین مهدویان برگزار می‌شود. این برنامه به همت خانه هنرمندان ایران، مؤسسه فرهنگی روایت فتح، مؤسسه فرهنگی هنری در انتظار فردایی دیگر، مؤسسه شهید آوینی(خانواده شهید)، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، فیلم نت و نشر واحه برگزار خواهد شد.

پخش زندگینامه شهید صیاد شیرازی از رادیو نمایش

سیما و سینما: در آستانه سالروز شهادت امیر سپهبد علی صیاد شیرازی، نمایش «صیاد دل‌ها» به کارگردانی رضا عمرانی از رادیونمایش پخش می‌شود. به گزارش خبرگزاری فارس، «صیاد دل‌ها» را ماه منیر خاچی و زهرا فریعی گیلوئی به رشته تحریر درآورده‌اند که داستان آن فرازهایی از زندگی امیر سپهبد علی صیاد شیرازی از کودکی تا شهادت است.در این نمایش هفت قسمتی، بازیگرانی چون توران مهرزاد، مسعود زنوزی، راد، مهرداد عشقیان، و تعداد دیگری از هنرمندان اداره کل هنرهای نمایشی رادیو به ایفای نقش پرداخته‌اند. «صیاد دل‌ها» به تهیه‌کنندگی شهناز دهکردی، گویندگی مریم نشیبی، صدابرداری رضا طاهری و افکتوری ترگس موسی‌پور هر روز ساعت ۱۸:۰۰ از رادیو نمایش پخش می‌شود.

«فوق لیسانسه‌ها» از ۲۴ فروردین کلید می‌خورد

سیما و سینما: تصویربرداری سریال «فوق لیسانسه‌ها» با آماده شدن لوکیشن اصلی این مجموعه از روز شنبه ۲۴ فروردین ماه در غرب تهران شروع می‌شود. رضا جودی، تهیه‌کننده مجموعه تلویزیونی «فوق لیسانسه‌ها» که پیش تولید ساخت آن به کارگردانی سروش صحت را از اسفند ماه سال ۹۷ آغاز کرده بود، به خبرنگار مهر گفت: این روزها مشغول ساخت و ساز نهایی ساختمان این سریال که قصه در آن اتفاق می‌افتد هستیم و در روزهای آینده با تست بازی بازیگران، نهایتاً تصویربرداری کار را از روز شنبه ۲۴ فروردین شروع می‌کنیم. وی ادامه داد: لوکیشن جدید این کار نیز در خانه‌ای در منطقه ژاندارمری است و علاوه بر حضور تمامی بازیگران اصلی گذشته این مجموعه چندین بازیگر دیگر نیز به این کار افزوده می‌شوند که هنوز حضورشان نهایی نشده است.



گفت‌وگو با حامد عنقا، تهیه‌کننده و نویسنده سریال «بر سر دوراهی»

سریال‌های قصه محور، پر مخاطب می‌شوند

پیدا کردن بازیگر در بهمن و اسفند بسیار سخت است، کار را کلید زدیم. تصور ما این بود که دوستان کار طنز مد نظرشان است و ساخت سریال طنز حوزه‌ای نبود که من و بهرنگ به آن علاقه‌ای داشته باشیم چون تخصص خودش را می‌طلبد و تجربه‌های گذشته ما در این حوزه چندان جذاب نبوده است. طی دو، سه جلسه با سیمای فیلم از ما خواستند که کار نوروز را کلید بزنیم. اواسط بهمن ماه کار را شروع کردیم و کل کار دو ماه طول کشید و حدود ۵۵ جلسه فیلمبرداری داشتیم. تصمیم گرفتیم که برای نوروز با یک سریال ملودرام میهمان خانه‌های مردم شویم. این موضوع در تلویزیون سابقه نداشت به جز سال‌هایی که نوروز با مرحم همزمان شده بود. مدبران تلویزیون هم از این تصمیم استقبال کردند و با وجود اینکه سریال طنز نبود اما خوشبختانه استقبال خوبی از آن شد و توانست جزو سریال‌های پر مخاطب تلویزیون در ایام نوروز شود. گروه سازنده در این دو ماه به سختی کار کردند و تمام ایام نوروز را بی‌وقفه پای کار بودند، خوشبختانه استقبال مردم خستگی را از نشان زدود.

◆ **از همان ابتدا قرار بود که سریال در ۱۶ قسمت ساخته شود؟**

تعدد ما به سازمان صدا و سینما ۱۵ قسمت بود اما وقتی فیلمنامه را هر روز و سکانس به سکانس می‌نویسید ممکن است شرایط تغییر کند. به جز آقای توفیقی که از روند کار کلبتی در ذهن داشت، هیچ کس نمی‌دانست که این سکانس‌ها برای کدام قسمت گرفته می‌شود، همه چیز در ذهن من اتفاق می‌افتاد. در واقع بازنویسی نهایی را سر سیز تدوین انجام دادم. به همین دلیل کار کمی مفضل‌تر شد و به ۱۶ قسمت رسید.

◆ **به نظر شما دلیل اینکه مردم از یک سریال ملودرام در ایام نوروز استقبال کردند چه بود؟**

ذات ما ایرانی‌ها، قصه دوست‌

است. سریال‌های طنز موفق هم قصه داشتند که این روزها کمتر شاهد این جنس طنزها هستیم همچون سریال متهم گریخت، خانه به دوش یا بسری اول و دوم پایتخت، همه این سریال‌ها قصه محور بودند

پایتخت، همه این سریال‌ها قصه محور بودند. قسمت رسید.

◆ **به نظر شما دلیل اینکه مردم از یک سریال ملودرام در ایام نوروز استقبال کردند چه بود؟**

ذات ما ایرانی‌ها، قصه دوست‌

است. سریال‌های طنز موفق هم قصه داشتند که این روزها کمتر شاهد این جنس طنزها هستیم همچون سریال متهم گریخت، خانه به دوش یا بسری اول و دوم پایتخت، همه این سریال‌ها قصه محور بودند

پایتخت، همه این سریال‌ها قصه محور بودند. قسمت رسید.

◆ **به دم دستی‌ترین شکل ممکن!**

در ادامه شاهین امین، منتقد سینما و تلویزیون با اشاره به تکراری بودن سریال «بر سر دوراهی» عنوان کرد: ببینیدا

واقعیت این است که یک سری داستان‌های تکراری در سراسر دنیا وجود دارد که بارها از آن‌ها استفاده می‌شود و هیچ اشکالی هم ندارد که مدام این کارها تکرار شوند؛ مانند داستان «بر سر

اقبال مردم از این مجموعه‌ها به خاطر قصه محور بودن و استفاده از مؤلفه‌های آشنا برای مردم بود. نام سریال از ابتدا آگاهانه انتخاب شد. «بر سر دوراهی» اسم یکی از ستون‌های پر مخاطب مجله زنان امروز در دهه ۷۰ عمود که با استقبال مردم مواجه شد. قصه‌ای را انتخاب کردیم که در ظاهر ساده بود اما در زیرمتن کار، دنبال مفاهیم دیگری هم بودیم. با وجود اینکه بازیگرهای این سریال شناخته شده و پرکار بودند اما با این ترکیب کنار هم چیده نشده بودند و ترکیب بازیگران آشناندا بود. به نظر یکی از دلایل استقبال از این سریال در نوروز این است که مخاطب دوست دارد قصه ببیند و در جایی با شخصیت‌های سریال همدلی کند. همزمان شده بود. مدبران تلویزیون هم از این تصمیم استقبال کردند و با وجود اینکه سریال طنز نبود اما خوشبختانه استقبال خوبی از آن شد و توانست جزو سریال‌های پر مخاطب تلویزیون در ایام نوروز شود. گروه سازنده در این دو ماه به سختی کار کردند و تمام ایام نوروز را بی‌وقفه پای کار بودند، خوشبختانه استقبال مردم خستگی را از نشان زدود.

◆ **زمان نوشتن فیلمنامه یا طراحی ایده اولیه به این فکر می‌کردید که هر نقشی را چه بازیگری بازی کند؟**

وقتی ایده اولیه در ذهنم شکل گرفت اول با بازیگرها قرارداد بستیم و بعد فیلمنامه را نوشتم. زمانی که با بازیگرها برای پروژه قرارداد بستیم به جز چند جمله‌ای که از من به عنوان قصه اولیه شنیدند، فیلمنامه‌ای نخواندند. دو، سه هفته از فیلمنامه‌ای بود که تصمیم گرفتیم آن را کنار بگذاریم و کار دیگری را بسازیم. تقریباً ۹۰ درصد از بازیگران اول انتخاب شدند و بعد فیلمنامه را نوشتیم. مثلاً پهنوش بختیاری را به نیت یک نقش جدی انتخاب کردیم چون تاکنون در تلویزیون نقش جدی نداشت و از این نقش بسیار استقبال کرد، در واقع تیم سازنده به یکدیگر اعتماد کردند.

◆ **با وجود اینکه سریال «بر سر دوراهی»، سریالی ملودرام بود، شخصیت‌پردازی در آن باید با حساسیت و دقت ویژه‌ای صورت می‌گرفت، با وجود کمبود زمان نگران ضعف در شخصیت‌پردازی در این سریال نبودید؟**

وقتی کلیت یک درام شکل می‌گیرد، براساس یک تئوری مشخص و ذهنی، ابعاد شخصیت خلق می‌شود و احساس نیاز برای خلق آن شخصیت بر اساس همان تئوری است. شخصیت خوب و درست در یک اثر نمایشی شخصیتی

خوب و درست در یک اثر نمایشی شخصیتی

◆ **با وجود اینکه سریال «بر سر دوراهی»، سریالی ملودرام بود، شخصیت‌پردازی در آن باید با حساسیت و دقت ویژه‌ای صورت می‌گرفت، با وجود کمبود زمان نگران ضعف در شخصیت‌پردازی در این سریال نبودید؟**

وقتی کلیت یک درام شکل می‌گیرد، براساس یک تئوری مشخص و ذهنی، ابعاد شخصیت خلق می‌شود و احساس نیاز برای خلق آن شخصیت بر اساس همان تئوری است. شخصیت خوب و درست در یک اثر نمایشی شخصیتی

◆ **با وجود اینکه سریال «بر سر دوراهی»، سریالی ملودرام بود، شخصیت‌پردازی در آن باید با حساسیت و دقت ویژه‌ای صورت می‌گرفت، با وجود کمبود زمان نگران ضعف در شخصیت‌پردازی در این سریال نبودید؟**

وقتی کلیت یک درام شکل می‌گیرد، براساس یک تئوری مشخص و ذهنی، ابعاد شخصیت خلق می‌شود و احساس نیاز برای خلق آن شخصیت بر اساس همان تئوری است. شخصیت خوب و درست در یک اثر نمایشی شخصیتی

◆ **با وجود اینکه سریال «بر سر دوراهی»، سریالی ملودرام بود، شخصیت‌پردازی در آن باید با حساسیت و دقت ویژه‌ای صورت می‌گرفت، با وجود کمبود زمان نگران ضعف در شخصیت‌پردازی در این سریال نبودید؟**

◆ **اسیما و سینما/ زهره کهندل ا سریال «برسر دوراهی» داستان عاشقانه پر فراز و نشیب زندگی جوانی به نام حامد بود که به واسطه عوض شدن دنیایش و تغییر شرایط مالی‌اش، زندگی‌اش از این رو به آن رو می‌شود. این سریال ۱۶ قسمتی که در ایام نوروز روی آنتن شبکه دو سینما رفت، کار مشترک بهرنگ قبلی‌اش که معمولاً سعی می‌کرد چهره‌های جدید را در کارهایش معرفی کند برای سریال اصلی را بازی می‌کرد، بازیگرانی همچون مهراب توفیقی و حامد عنقا بعد از تجربه مشترک ساخت سریال «پدر» بود. این بار حامد عنقا، نویسنده و تهیه‌کننده سریال برخلاف کارهای قبلی‌اش که معمولاً سعی می‌کرد چهره‌های جدید را در کارهایش معرفی کند برای سریال بر سر دوراهی سراغ بازیگران حرفه‌ای رفت. در این سریال در کنار حمید گودرزی که نقش اصلی را بازی می‌کرد، مدبران تلویزیون هم از این شریفی‌نیا، عنایت بخشی، اسماعیل پوررضا، میترا حجاز، مجید مشیری و پهنوش بختیاری ایفای نقش کردند و انتخاب بازیگران به گونه‌ای بود که آن‌ها ایفاگر نقش‌های متفاوتی باشند.**

با وجود اینکه سال‌هاست پخش سریال‌های طنز در ایام نوروز باب شده است، امسال یک ملودرام هم در کنار مجموعه‌های طنز میهمان خانه‌های مردم بود. به گفته مرتضی میرباقری، معاون سینمای سازمان صدا و سینما، مردم این سریال را پسندیدند و با وجود اینکه پخش یک سریال ملودرام اجتماعی و خانوادگی در کنار سریال‌های طنز برای نوروز اتفاق جدیدی بود، موفق از آب درآمد و توانست نظر مثبت ۸۰ درصد از مخاطبان را به خود جلب کند. با حامد عنقا، نویسنده و تهیه‌کننده سریال «بر سر دوراهی» درباره جزئیات ساخت این مجموعه تلویزیونی گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید.

◆ **ساخت سریال بر سر دوراهی را دو ماه پیش از عید نوروز کلید زدید و تا آخرین روزهای تعطیلات، مشغول ساخت این سریال بودید، چرا کار اینقدر دیر کلید خورد؟**

من و بهرنگ توفیقی مشغول پیش تولید کار دیگری بودیم که بخشی از آن در خارج از کشور می‌گذشت. در بهمن ماه گذشته، آقای جعفری جلوه از ما خواستند که سریال نوروزی آن‌ها را بسازیم. با وجود اینکه وقت بسیار کم بود و قصه‌ای نداشتیم، ضمن اینکه

گزارش

◆ **صبا کریمی:** تلویزیون امسال هم در ایام عید با سریال‌های متنوعی میهمان خانه‌های مردم بود اما با یک تفاوت که آن هم اضافه شدن یک مجموعه درام به سریال‌های نوروزی شکل گرفت. غالباً در این ایام رسم بر این بوده که همیشه مجموعه‌های طنز در رأس تولیدات مناسبتی باشد اما امسال تولید و نمایش یک مجموعه ملودرام در کنار سریال‌های طنز به عنوان یک ضرورت در توجه به سباق همه مخاطبان و شکل‌گیری یک جدول متنوع در پخش در نظر گرفته شد تا اوقات فراغت مطلوب‌تری را برای مردم فراهم کنند. صرف نظر از این مسئله، وقوع سیل در بسیاری از استان‌های کشور موجی از غم را برای مردم به وجود آورد که با تدبیر صدا و سینما، پخش برنامه‌های مفرح و سریال‌های سرگرم‌کننده اوقات خوشی برای مخاطبان فراهم شد.

سریال «نون‌خ» به کارگردانی سعید آقاخانی، «بر سر دوراهی» به کارگردانی حامد عنقا، «زوج و فرد» به کارگردانی علیرضا تجنژاده و «شش قهرمان و نصفی» به کارگردانی حسین قناعت در این ایام روی آنتن رفتند. این سریال‌ها با استقبال مردم مواجه شدند اما سریال «نون‌خ» نسبت به سریال‌های «زوج و فرد» و «بر سر دو راهی» پشت‌تاز شد و عنوان پر مخاطب‌ترین سریال نوروزی سینما را به خود اختصاص داد که به نظر می‌رسد پرداختن به زندگی بومی و فاصله گرفتن از داستان‌های شهری و آپارتمانی به مذاق مخاطبان خوش آمده است، چنان‌که پیش از سریال «پایتخت» هم به دلیل نگاه بومی خود با استقبال خوبی از سوی مردم روبه‌رو شد. با این حال سریال «بر سر دوراهی» با داستانی عاشقانه و «زوج و فرد» با طنزی سیاسی هم مورد استقبال قرار گرفت. گرچه شاید انتقاداتی هم به نخ‌نما و کهنه بودن داستان‌های عاشقانه‌ای با این شکل و شمایل و یا حضور کلیشه‌ای بازیگران کم‌دی هم به این کارها شده باشد، اما با این حال این سریال‌ها نیز مخاطبان خودشان را داشتند.

به همین بهانه با جبار آذین، منتقد و مدرس سینما و شاهین امین، منتقد تلویزیون و سینما درباره کم و کیف سریال‌های نوروزی به گفت‌وگو پرداختیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

مضامین و ساختار تازه در کنار تیزر متفاوت

آذین در ابتدای سخنان خود با اشاره به سریال‌هایی که نوروز امسال روی آنتن رفته‌اند، گفت: امسال تلویزیون چهار سریال «زوج و فرد»، «بر سر دوراهی»، «نون‌خ» و «شش قهرمان و نصفی» را روی آنتن برد. به نظر در مجموع دو نکته مثبت و منفی شاخص اصلی هر چهار سریال را تشکیل



